

به نام خدا
شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی
در استان چهارمحال و بختیاری به مرکزیت شهرکرد
عباس کشاورز شکری* / مریم نیکوزاد**



*. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) abbaskeshavarzi@yahoo.com
**. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد. m.nikoozad@yahoo.com

مقدمه

بی‌شک شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مرهون همت و تلاش و اخلاص و مجاهدت مردان و زنانی است که با درک صحیح از جایگاه و رسالت خویش به مخالفت و مبارزه با رژیم ستم‌شاهی به‌پا خاستند و در راه امحای زشتی‌ها و استقرار خوبی‌ها از بذل جان و مال و هستی خویش دریغ نکردند. از ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران، حضور گسترده و تعیین‌کننده مردم در آن بود؛ به‌طوری‌که مردم شهرهای مختلف کشور در مراحل شکل‌گیری انقلاب نقش اساسی را به‌عهده داشتند و غالباً علما و روحانیون به‌عنوان مروج ارزش‌ها و تعالیم انقلاب در میان اقشار مختلف مردم دارای نقش بسزایی بودند. شبکه گسترده روحانیون در شهرها و مناطق مختلف کشور مانند رسانه‌ای پر قدرت، به سازماندهی و انتقال اطلاعات مربوط به انقلاب مشغول بودند و پیام‌های امام خمینی (ره) در شهرها و مناطق مختلف کشور از این طریق انتقال پیدا می‌کرد (صباغ جدید، ۱۳۸۶: ۱۹).

استان چهارمحال و بختیاری واقع در جنوب شرقی کشور به مرکزیت شهرکرد، در جنوب اصفهان و شمال استان خوزستان واقع شده است. این استان به‌لحاظ قدمت تاریخی، همیشه در مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دخیل بوده و سوابق مکتوب آن در کتب تاریخی و پس از مشروطیت که مردم استان دخالت مستقیم در ایجاد آن داشته‌اند موجود است. نگاهی گذرا به گوشه‌ای از سوابق برجای‌مانده از انقلاب، گویای آن است که مردم این استان، از آغازین روزهای حرکت امام خمینی (ره)، در صحنه‌های گوناگون انقلاب اسلامی حضور داشته‌اند (نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۵۴: ۷۷).

حضور هزاران تن از مردم شهرکرد در همراهی

با مردم فارسان در تشییع جنازه و خاکسپاری شهید داوودی (در ۱۳ بهمن ۱۳۵۶)، شرکت گسترده مردم شهرکرد در راهپیمایی روز ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ در حمایت از دولت بازرگان و پیوستن اکثر سازمان‌های اداری شهرکرد با صدور اطلاعیه‌ها به تظاهرکنندگان و تدارک راهپیمایی بزرگ حمایت از دولت منتخب امام در روز ۱۸ بهمن ۵۷، از جمله فعالیت‌های مردم در این روزها است. در شهر بروجن نیز به‌همین مناسبت تظاهراتی در ۱۸ بهمن برگزار گردید. راهپیمایی‌های مردم در تأیید دولت امام مستلزم نفی دولت شاه یعنی برکناری شاپور بختیار بود. شاپور بختیار علی‌رغم خاستگاه ایلی نه‌تنها نتوانست هیچ جایگاهی در میان مردم استان چهارمحال و بختیاری بدست آورد بلکه به‌عنوان فردی خائن و وابسته که مانعی بر سر راه خواسته‌های مردم بود مورد استهزاء مردم قرار گرفت (اداره کل اطلاعات استان چ و ب، ۱۳۸۸: ۱۷). این پژوهش برآن است که ضمن بررسی راه‌های نفوذ و انتقال جریان‌ها و امواج انقلابی به استان، به چگونگی پیدایش و روند وقوع انقلاب اسلامی در شهرکرد بپردازد. به عبارتی بر آن است نشان دهد که شهرکرد و اهالی آن با پیشینه تاریخی و مذهبی برجسته‌ای که داراست، در فرایند انقلاب چه نقشی را ایفا کرده‌اند و کانون‌ها و شبکه‌های موثر انقلابی و ضدانقلابی در آن کدام بوده‌اند. در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی، مسائل زیر مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

- ۱- اماکن و کانون‌های نشر عقاید انقلابی در استان چهارمحال و بختیاری
- ۲- نقش شخصیت‌ها و گروه‌های انقلابی در استان
- ۳- بررسی فعالیت احزاب سیاسی مؤثر و نقش

آن در استان

۴- فعالیت‌های ضد انقلاب در استان

نگاهی به پیشینه تحقیق

در زمینه روند تحقق انقلاب اسلامی به‌عنوان اصلی‌ترین رویداد سیاسی کشور ایران، کتب، تحقیقات و تألیفات متعددی در دست است که روند انقلاب و چگونگی شکل‌گیری آن را از جریانات و زمینه‌های قبل از رویداد، نهضت‌ها و شورش‌ها، بی‌عدالتی و ظلم و زمینه‌های ظهور انقلاب تا تحقق و پیروزی آن در سال ۵۷ را به رشته تحریر درآورده‌اند. بخشی از این منابع شامل روند انقلاب در مناطق و بخش‌های خاصی از کشور می‌باشد که وجه غالب در آنها تأثیر مذهب، رهبری و ایدئولوژی در تحقق انقلاب بوده است.

از آن‌جمله نسیم باغ پرور (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان *روند شکل‌گیری انقلاب در اردبیل*، نقش مذهب و ایدئولوژی را کلیدی‌ترین عامل در پیشروی و تحقق انقلاب عنوان کرده است. فرضیه او این است که براساس نظریه «پخش» هاگراسترن^{۱۷}، انقلاب اسلامی به‌عنوان یک نوآوری سیاسی و فرهنگی عمدتاً به‌صورت پخش از مراکز اصلی انقلاب به دیگر مناطق از جمله اردبیل گسترش یافته که با روش کیفی و توصیفی به مطالعه آن پرداخته است. تفاوت این کار با پژوهش حاضر در منطقه و شهر مورد بررسی می‌باشد.

سید اصغرابن‌الرسول (۱۳۸۳) در کتاب خود با عنوان *انقلاب اسلامی در کاشان*، ضمن تأکید بر نقش ایدئولوژی و رهبری امام خمینی (ره) و نحوه فعالیت و ارتباط طرفداران با ایشان در کاشان، می‌نویسد «مذهب تشیع و ارادت دین‌دارانه مردم این مرز و بوم نسبت به آن، زمینه

اصلی پذیرش امام خمینی بوده است. در کتب دیگر نیز با تأکید بر نقش مذهب و رهبری امام خمینی (ره)، روند شکل‌گیری انقلاب در چند منطقه دیگر کشور مورد بررسی قرار گرفته است. از آن جمله نقی دادرسی (۱۳۸۲) در *انقلاب اسلامی در خوی* می‌نویسد: «شهرستان خوی با حوزه علمیه باسابقه و نهادهای مذهبی در تاریخ معاصر و خصوصاً انقلاب اسلامی که به‌علت وجه مذهبی آن به‌شدت فراگیر شد، نقش بسزایی داشته است. تفاوت این نوع بررسی‌های تاریخی با پژوهش حاضر در منطقه جغرافیایی مورد مطالعه می‌باشد.

اما در زمینه تاریخ استان چهارمحال و بختیاری، تألیفات مفیدی در دست است؛ از جمله سیاوش اعتمادی (۱۳۸۱)، در *بختیاری در گذرگاه زمان*، می‌نویسد «آنچه قلی اسپوندکه در تمام جنگ‌های مشروطه دلاورانه پیکار نمود، از مردان بنام بختیاری بوده و یک سال قبل از مشروطه از طرف سردار جنگ به نگهداری و نگهداری از شهر کرد تا اصفهان برگزیده شد و همیشه با چهل سوار گزیده همراه کالای لینچ حرکت می‌کرد. او مردی بسیار غیور و با رشادت بود ۴۰. در این کتاب از شورش‌های خوانین بختیاری بر ضد رضاشاه، سرکوب شورش کهکیلویه و ممسنی به‌دست بختیاری‌ها و دیگر اقدامات ایشان در راستای تحقق انقلاب سخن به‌میان آمده است.

اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۸۸) در *روایت اسناد در استان چهارمحال و بختیاری* ضمن بررسی اسناد مربوط به ساواک در این استان، می‌نویسد: «اولین سازمان مربوط به اطلاعات در چهارمحال و بختیاری به ریاست سرهنگ ترابی در فروردین ۱۳۴۳ش تشکیل شد و در مقطع منتهی به انقلاب سرگرد مجتبی کامکار رئیس ساواک استان بوده و علاوه بر شهرکرد، در

نحوه مشارکت مردم در انقلاب و فعالیت آنها نشان داده می‌شود. در این راستا از نظریه پخش استفاده خواهیم کرد.

۱. نظریه پخش

نظریه «پخش» یا «اشاعه» از سوی تورستن هاگستراند، ابتدا در سال ۱۹۵۳ م، مطرح و سپس اصول آن در سال ۱۹۶۸م در کتاب/تثارت فضاپی فرآیند نوآوری بسط داده شد. «پخش» اصولاً چگونگی گسترش یک پدیده را از کانون یا کانون‌های اصلی آن در بین مردم توضیح می‌دهد. «پخش» در جغرافیا به معنی انتشار، گسترش، پراکندگی و، به هم آمیختگی است. هرچند، خاستگاه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است اما در موضوعات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز به کار گرفته می‌شود. فرآیند «پخش» ممکن است بلافاصله پس از ظهور پدیده صورت گیرد و یا در طول قرن‌ها عملی گردد. در مجموع، این نظریه، گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند.

مفهوم دیگر مرتبط با نظریه «پخش»، «پخش فضایی» است که فرآیندی است که طی آن، نگرش و رفتار مردم تغییر می‌یابد. «پخش فضایی» عبارت است از گسترش یک پدیده از کانون یا کانون‌های اصلی در بین مردمی که آماده پذیرش آن پدیده‌اند. بنابراین، در «پخش فضایی» دو موضوع را می‌توان از یکدیگر متمایز ساخت: الف) وجود پدیده یا پدیده‌ها، ب) امر گسترش حرکت پدیده از خاستگاه اصلی خود، که «پخش فضایی» را موجب می‌شود. این پدیده ممکن است یک شیوه رفتار، عقاید خاص سیاسی- اجتماعی، یک امر مادی، نظیر مد و لباس و یا نوعی کالای ویژه باشد.

۲. انواع «پخش»

از نظر هاگستراند چند نوع «پخش» وجود دارد:

بروجن نیز تشکیلات ساواک وجود داشته است. تفاوت این کار با پژوهش حاضر در این است که به جمع‌آوری اسناد ساواک در کل استان پرداخته و لذا هم از نظر قلمرو زمانی و هم قلمرو موضوعی متفاوت می‌باشد.

جن.راف.گارتویت (۱۳۸۱) در کتاب تاریخ سیاسی اجتماعی ایل بختیاری (ترجمه مهرب امیری) می‌نویسد: «شکی نیست که سردار اسعد بختیاری یک ناسیونالیزم به تمام معنی و یک آزادیخواه واقعی بود که نوشته‌ها و راهنمایی‌هایش در حمایت از آزادیخواهان در جنبش مشروطیت بسیار مؤثر بود».

همچنین اسفندیار آهنجیده (۱۳۷۸) در ایل بختیاری و مشروطیت می‌نویسد: «از خانواده حاج ایلخانی بختیاری که نخستین پایه‌گذار جنبش ۱۳۲۲ بود، گروهی از سواران بختیاری که تعدادی از کلانتران آنها را یاری می‌کردند، از چهارمحل به سمت بختیاری حرکت کردند و در بین راه گروه بسیاری از سواران بختیاری به آنها پیوستند. او توانست با همه موانع خود را به ایزه برساند و طبق رسم سنتی خوانین خیمه و خرگاه برپا کند و به عنوان نماینده حاج ایلخانی به حل و فصل مشکلات ایل پردازد.» اما در زمینه روند شکل‌گیری انقلاب در شهرکرد تاکنون تحقیقی صورت نگرفته و پژوهش حاضر اولین مورد در این زمینه است.

الف) مبانی نظری

ماهیت مذهبی و مردمی بودن انقلاب اسلامی ایران باعث شد که این انقلاب در فاصله سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ ش به مناطق مختلف کشور راه پیدا کند. در پژوهش حاضر به روش‌های مربوط به انتقال عقاید انقلابی در شهرکرد پرداخته و

۱. پخش جابه‌جایی

این «پخش» زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای ایده‌ای مخصوص، به‌طور فیزیکی، از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به‌این‌طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی به شیوه پخش جابه‌جایی اشاعه یافته‌اند.

۲. پخش سلسله مراتبی

در این نوع «پخش»، پدیده‌ها و نوآوری در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی نظم دسته‌ها و طبقات، انتقال و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر و یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش پیدا می‌کند.

۳. پخش سرایتی یا واگیردار

این «پخش» در مقابل «پخش سلسله مراتبی» است. در این نوع «پخش»، گسترش عمومی ایده‌ها، بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب، صورت می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۴-۴۳)، مانند اشاعه بیماری‌های مسری. از آنجا که در این نوع «پخش» با تماس مستقیم منتشر می‌شود، لذا این فرایند به شدت تحت تأثیر «فاصله» قرار دارد. از این رو، افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند. «پخش سلسله مراتبی» و «سرایتی» نسبت به دیگر انواع «پخش» دارای سرعت انتشار بالایی هستند و در آنها افکار، اندیشه‌ها و مفاهیم، از سرزمین میزبان به سرزمین میهمان و جدید مهاجرت می‌کنند، اما بالاترین سرعت انتشار در «پخش سلسله مراتبی» است، زیرا با پذیرش نوآوری از سوی فرد مهم، پدیده به سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود.

پ) مؤلفه‌های نظریه «پخش»

هاگستراند، شش عامل را در این خصوص مطرح

می‌کند: ۱. حوزه یا محیط جغرافیایی، این محیط می‌تواند محیط پذیرا، همگرا، محیط ناپذیرا و واگرا باشند. ۲. زمان عاملی است که می‌تواند به صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود. ۳. موضوع «پخش» ممکن است امراض واگیردار، نوآوری‌های کشاورزی و تکنولوژیک، موضوعات فرهنگی و یا پدیده‌های فیزیکی - فرهنگی نظیر مبارزات انقلابی و چریکی دهقانان روسیه، انقلابیون کوبا و جنگجویان ویتنامی باشد. ۴. مبدأ «پخش» مکان‌هایی است که خاستگاه نوآوری‌ها و صدور پیام‌ها و ارزش‌ها هستند. ۵. مقصد «پخش»، مکان‌هایی که محتوای «پخش» یا جریان مداوم «پخش» به آنها می‌رسد. ۶. مسیر حرکت پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد، فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی - اقتصادی مسئله‌ای مهم در ارتباط با پدیده‌ها می‌باشد (شکویی، ۱۳۷۸: ۳۰۳).

ت) عوامل کاهش‌دهنده «پخش»

عوامل مؤثر بر تقلیل در سرعت و روند گسترش پخش عبارت‌اند از:

۱- مسافت

اگر سنگی را به درون استخری بیندازیم و پخش امواج آن را نظاره کنیم، خواهیم دید که دوایر با دور شدن از نقطه اثر، به تدریج، ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند. به همین قیاس، میزان پذیرش نوآوری‌های فرهنگی نیز با افزایش مسافت کاهش می‌یابد.

۲. زمان

گذشت زمان نیز عامل مهمی تلقی می‌شود. انتشار و پخش نوآوری در نقطه دورتر، مستلزم صرف زمان بیشتری است، چرا که تعداد پذیرندگان با افزایش مسافت کاهش می‌یابد.

رسید و نهضت عظیمی را تشکیل داد که در ۱۳۵۷ ش به پیروزی رسید (باغ پرور، ۱۳۸۸: ۹۱).

۲. شیوه‌های انتقال عقاید انقلابی در شهرکرد جریان انتقال این عقیده انقلابی و نوآوری سیاسی به شهرکرد به سه صورت «پخش جابه‌جایی»، «پخش سرایتی» و «پخش سلسه مراتبی» اتفاق افتاد. در ذیل به تفصیل آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲- انتقال به شیوه جابه‌جایی (فیزیکی) از جمله مهم‌ترین راه‌های پخش این عقاید را می‌توان تبلیغات هم‌فکران و مریدان امام و پخش اعلامیه‌ها و حمایت نهاد مرجعیت و شبکه روحانیت دانست. از جمله مریدان امام که نقش مؤثری در انتقال عقاید انقلابی و گسترش آن در بین اقشار مختلف مردم در شهرکرد داشتند، می‌توان به شخصیت‌هایی چون شیخ محمدعلی صفرنورالله، آیت‌الله شمس‌آبادی، سید محمد متقی (آیت‌الله‌زاده بروجنی)، آیت‌الله حاج هاشمی، شهید رحمان استکی، سید جواد وانانی، شیخ احمد فقیهی، محمدعلی مولوی، شیخ محمدتقی بشارت، شیخ علی صفدری و شیخ حسن نوری اشاره نمود. اینان از واعظان فعال در مجالس و مساجد بودند و طی جلساتی که پیرامون مسائل سیاسی کشور می‌گرفتند و با توجه به تصمیماتی که در این جلسات گرفته می‌شد، هریک به نوعی در سخنرانی‌هایی که داشتند به روشنگری مردم، به‌ویژه جوانان، می‌پرداختند (کرانی، ۱۳۷۵: ۶۷). در کنار این تلاش‌ها رفت و آمد بزرگانی چون شیخ حسین نوری، شیخ علی‌اکبر مسعودی (پیوست ۱) و دیگران از قم، اصفهان و سایر شهرها، در ایام مختلف به این شهر، و ایراد وعظ و خطابه در مساجد و حسینیه‌ها در اشاعه عقاید انقلابی و

بنابراین، میزان پذیرش نیز با افزایش زمان با کاهش مواجه می‌شود.

۳. موانع تراوش

علاوه بر ضعف و کاهش طبیعی ابداعات و نوآوری‌ها، به دلیل افزایش زمان و مسافت، سدها و موانع نیز موجب توقف یا کند شدن روند پخش نوآوری گردیده یا پیشرفت‌های بعدی را متوقف می‌سازند (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۸-۴۷).

انقلاب اسلامی ایران با پیامدهای عظیم و گسترده‌ای که در سطح ملی و بین‌المللی داشت، با جاذبه فراگیر و گسترش چشمگیر در مناطق مختلف کشور نفوذ پیدا کرد. این پژوهش ضمن بررسی روند انقلاب اسلامی به چگونگی تطابق این نظریه با گسترش انقلاب در مناطق مختلف کشور و، از آن جمله شهرکرد، می‌پردازد.

ب) انقلاب اسلامی در استان چهارمحال و بختیاری (کاربرد نظریه «پخش»)

۱. عقیده انقلابی

عقیده انقلابی همان ایده تشکیل حکومت اسلامی است که در دوران معاصر از اندیشه امام خمینی (ره) در کشف‌الاسرار پی گرفته شود. امام خمینی این کتاب را در سال ۱۳۲۴ ش، در پاسخ به کتاب اسرار هزارساله حکمی زاده نوشته بودند. امام در این کتاب خواهان شکل‌گیری حکومت اسلامی به رهبری روحانیت نبوده و بیشتر به رعایت قوانین شرعی و نظارت مجتهدان بر قوانین مجلس مقننه تأکید داشتند. اصرار زیاد ایشان بر اجرای قوانین اسلامی را می‌توان پایه‌های تفکری دانست که وقتی مسلم شد شاه و اطرافیانش نمی‌خواهند قوانین اسلامی را اجرا کنند، بسیار قوت گرفت و آن تفکر تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام شرع به دست متولیان شرع بود که با سخنرانی‌های پی‌درپی امام (ره) و حمایت مردم در ۱۳۴۲ ش به اوج خود

مهم‌ترین عامل در پخش به‌شیوه فیزیکی ضروری است:

۲-۱-۱- شخصیت‌های انقلابی

۲-۱-۱- حاج آقا سیدمصطفی

حاج آقا سید مصطفی السید، فرزند مرحوم میر سیدمحمد، از علما و بزرگان شهرکرد در سال ۱۳۱۵ ق به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه امامیه شهرکرد، نزد مرحوم جناب فاضل، به انجام رسانده و به اصفهان مسافرت و با برادرش، حاج آقا مرتضی (متولد ۱۳۱۳ ق)، معروف به حاج آقا میرزا، نزد علمای مشهور آن زمان مانند مرحوم شیخ محمد حکیم خراسانی و شیخ علی یزدی و میرسیدمحمد نجف آبادی به کسب علوم فقه و اصول پرداخت و از اصفهان به زاد بوم خویش بازگشت و به پیشوایی اهالی محل همت گماشت.

اقامه نماز جماعت مسجد خان (جامع) و بعضاً پاسخ‌گویی به مراجعات مردم و رفع مشکلات آنان از اموری بود که حاج آقا مصطفی در آن مداومت داشت. زعامت حوزه علمیه امامیه شهرکرد و تعمیر اماکن مذهبی از محل درآمد رقبات وقفی و کمک‌های مردمی، از دیگر اقدامات شاخص ایشان است. مسئولان اداری از استانداری گرفته تا رؤسای ساواک و شهربانی و سایر ادارات، از نفوذ کلام و محبوبیت اجتماعی حاج آقا مصطفی حساب می‌بردند. از این رو در گرفتاری‌ها که معمولاً برای وعاظ و سایر دستگیرشدگان پیش می‌آمد، بعضاً دخالت و پادرمیانی ایشان به استخلاص آنان می‌انجامید و پشتوانه محکمی برای متدینان محسوب می‌شد. ایشان در شب سه‌شنبه پنجم دی ماه ۱۳۵۸ ش مطابق ششم صفر ۱۴۰۰ ق، بر اثر سکته قلبی به رحمت ایزدی پیوست و در جوار مزار پدرش

آگاهی‌بخشی به اقشار مختلف مردم نسبت به اوضاع و احوال سیاسی کشور، نقش مؤثری داشت. همچنین تبعید نیروهای انقلابی به شهرهای مختلف کشور که با تبعید این افراد به شهرها و محل‌های دور افتاده و دور از فعالیت سیاسی، همراه بود، به‌رغم خواست رژیم، موجب نشر عقاید انقلابی در نقاط مختلف کشور شد و آنها را به تحرک انقلابی واداشت. به‌عنوان مثال تبعید شیخ مجدالدین محلاتی از سوی رژیم شاه از شیراز به شهرکرد (از سیزدهم فروردین ۱۳۵۲ ش - دوم تیر ۱۳۵۲ ش) که باقی‌مانده سه سال تبعید وی به ایرانشهر بوده است، و به‌دنبال آن مراجعت و ملاقات افرادی چون عبدالکریم قاسم نژاد و حسن بنا از شیراز، جعفر خوانساری از تهران و سید احمد موسوی از قم، زمینه‌های نفوذ و نشر هرچه بیشتر افکار انقلابی را به این منطقه فراهم نمود (آهنچیده، ۱۳۸۴: ۲۲).

تکثیر نوار سخنرانی‌های امام، دایر کردن کتابخانه، پخش اعلامیه و عرضه آن به جوانان نیز از اقدامات دیگری بود که در این راستا نقش بسزایی ایفا کرد. ارتباط با شخصیت‌های بزرگی چون آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله منتظری، سید محمد مدنی و علی‌اصغر آل‌اسحاق از طریق روحانیون شهرکرد، و اطلاع از تبعید و غربت این مروجان عقاید امام خمینی که نشان از ترس رژیم شاه از فعالیت‌های این افراد بود، نقش تأثیرگذاری در ایجاد روحیه انقلابی در مردم داشت. در واقع این نوع انتقال و ترویج اندیشه‌های امام (ره) توسط اشخاص و فعالان انقلابی یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال و پخش عقاید انقلابی به استان و به‌ویژه شهرکرد به‌عنوان مرکز استان چهارمحال و بختیاری و مرکز ثقل فعالیت‌های انقلابی بود. در این راستا معرفی شخصیت‌های اثرگذار انقلابی در استان به‌عنوان

دفن گردید.

۲-۱-۱-۲- حاج شیخ محمد علی صفرنورالله معروف به نوراللهی

حجت‌الاسلام محمدعلی صفرنورالله (نوراللهی) متولد ۱۳۱۰ ش در نجف‌آباد است. ایشان از سال ۱۳۴۵ ش به‌عنوان مدرس مدرسه امامیه شهرکرد به تربیت طلاب و اقامه نماز جماعت در مساجد شهر و دعوت شخصیت‌های مذهبی و برگزاری جلسات دینی و وعظ و سخنرانی و تدریس اهتمام داشته است. مسئولیت و حضور وی در شهرکرد که تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز استمرار یافت، در طول دوران ستم‌شاهی همواره با حساسیت و مراقبت ساواک همراه بوده است. به‌رغم اطلاع داشتن ساواک از نقش محوری وی و چند نوبت احضار مشارالیه، به‌سبب در دست نبودن مدرک و معتبر و محکمه‌پسند ساواک موفق به اقدام مؤثری علیه وی نشده و تنها در ۱۳۴۶ ش ضمن مخالفت با صدور گذرنامه از

عزیمت ایشان به سفر حج ممانعت به‌عمل آورد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج آقا نوراللهی پس از انقلاب در سمت‌های مسئولیت بنیاد شهید مبارکه و امامت جمعه فریدون‌شهر، منشأ خدمات ارزنده‌ای بود. مرحوم نوراللهی در جنگ تحمیلی با حضور در جبهه‌ها، رزمندگان اسلام را حمایت می‌نمود و ازهرجهت (مادی و معنوی) پشتیبان جبهه‌ها بود. یکی از فرزندان ایشان در عملیات خیبر به شهادت رسید. خود ایشان نیز در ۱۳۷۳ ش به رحمت ایزدی پیوست (هاشمی دهکردی، ۱۳۷۶: ۶۷).

۲-۱-۱-۳- سید محمد متقی، معروف به آیت الله زاده

سید محمد متقی، معروف به آیت‌الله‌زاده در ۱۳۰۱ ش در نجف اشرف به دنیا آمد. در ۱۳۳۰ ش پس از رحلت پدرش، به ایران آمد و در شهر

بروجن ساکن شد و به اقامه نماز جماعت پرداخت. وی که در شهر بروجن با انحراف فرقه‌های دراویش و محفل بهائیت به مبارزه پرداخته بود، در ۱۳۴۰ ش به اصفهان تبعید شد. در ۱۳۵۰ ش با ساخت سینما در بروجن به مخالفت برخاست و اعلامیه‌ای در این خصوص پخش کرد که به‌دنبال آن به سه سال اقامت اجباری در گنبدکاووس محکوم گردید. محل تبعید وی در ۱۳۵۱ ش به شهرستان سیرجان تغییر یافت. وی در ۱۳۵۳ ش پس از دوران تبعید، به بروجن بازگشت و در مسجد شیخ‌علی نماز جماعت اقامه کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای مدتی تصدی کمیته مردمی انتظامی را به‌عهده داشت که بر سر موضوع انحلال آن و تشکیل سپاه، طرفدارانش در بروجن دست به تحرکاتی زدند که تا مرز درگیری مسلحانه و بروز بحران جلو رفتند؛ لذا با مداخله آیت‌الله یزدی و آیت‌الله شاهرخی، به نمایندگی از مرکز و حضور جمعی از پاسداران سپاه اصفهان زیر نظر سردار صفوی، موضوع فیصله یافت (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲: ۱۷۰).

۲-۱-۱-۴- حسین قلی بنایی

حسین قلی بنایی متولد ۱۳۱۲ ش در بروجن است. وی از فعالان هیئت محمدیه و کانون جوانان اسلامی بروجن بوده که بنابه گزارشات ساواک به‌عنوان فرد افراطی مذهبی و از طرفداران سرسخت امام خمینی (ره) قلمداد شده است که دوست دارد انقلابیون در جلسات هیئت و کانون سخنرانی نماید و از افرادی که در جلسات انقلابی صحبت نکنند، شدیداً انتقاد می‌کند. در اسناد مربوط به ساواک بارها به وی اشاره شده و فعالیت‌هایش از طرف آنها تحت کنترل و مراقبت بوده است (پیوست ۲).

۲-۱-۱-۵- شیخ‌علی صفدری

حجت‌الاسلام علی صفدری هرسینی از مبلغان اسلامی در بخش فارس از توابع شهرستان شهرکرد بود. ایشان از فعالان و واعظان بنام در دوره انقلاب بوده‌اند که نقش بسزایی در شکل‌دهی به حرکات و قیام‌های مردمی ایفا می‌کرد. در دوره طاغوت در چند نوبت، ساواک نسبت به سخنرانی‌های وی واکنش نشان داده و با احضار و تذکر مواجه شده است. از جمله به سخنرانی‌های تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۶ ش، سخنرانی ۲۷ اسفند ۱۳۵۶ ش در حسینیه سنندج، سخنرانی چهارم شهدای ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ ش در جمع فرهنگیان و، همچنین، سخنرانی نماز عید قربان در آبان‌ماه ۱۳۵۷ ش می‌توان اشاره کرد.

وی پس از پیروزی انقلاب عمدتاً در مشاغل قضایی خدمت نموده است. حاکم شرع دادگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری، رئیس کل دادگستری‌های استان‌های اصفهان و تهران و دادستان انتظامی قضات، آخرین مسئولیت‌های ایشان را شامل می‌شود. او پس از بازنشستگی، امام جماعت یکی از مساجد تهران بود.

۱-۱-۲-۶- رحمان استکی
شهید رحمان استکی در سال ۱۳۲۹ ش، در خانواده‌ای مذهبی، در شهرکرد به دنیا آمد. پس از اخذ دیپلم و اتمام دوره سربازی به شغل آموزگاری روی آورد. در ۱۳۵۳ ش وارد دانشگاه شده و در ۱۳۵۷ ش فارغ‌التحصیل شد. در دوران دانشجویی در جلسات درس استاد محمد تقی جعفری و شهید بهشتی حاضر شد. شهید استکی براساس بینش اسلامی، از مخالفان جدی رژیم ستم‌شاهی بود که در همین راستا طی سال‌های منتهی به پیروزی در زمینه سخنرانی‌های مذهبی و تدریس قرآن به فعالیت مشغول و از جمله محرکان اصلی اعتصاب و تظاهرات معلمان و دانش‌آموزان علیه رژیم طاغوت در شهرکرد بوده

است. در نامه محرمانه مدیر کل وقت آموزش پرورش با اشاره به حرکت مذهبی‌ها و پیروان مکتب امام خمینی (ره) در مخالفت با رژیم و دودمان پهلوی، از شهید استکی به عنوان سردرسته فرهنگیان نام برده شده است که دانش‌آموزان و معلمان را به حرکت واداشته و شبانه‌روز فعالیت دارد. شهید استکی با پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان مدیر کل آموزش و پرورش استان انتخاب و در دوره اول به‌عنوان نماینده مردم شهرستان شهرکرد به مجلس شورای اسلامی راه یافت. سرانجام در هفت تیر ۱۳۶۰، در محل دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به‌دست منافقان به فیض شهادت نایل شد.

۱-۱-۲-۷- محمدابراهیم فلسفی، معروف به حاج هاشمی

محمدابراهیم فلسفی، که در شهرکرد با نام مستعار هاشمی معروف شده بود، متولد ۱۳۲۳ ش در قروه کردستان است. او در دوران شاه بارها بازداشت و ممنوع‌المنبر شد. دوره حضور وی در شهرکرد، ایام پربار، پرکار و مؤثری بود. او پس از پیروزی انقلاب در جیرفت، شمال خراسان و قزوین به قضاوت مشغول شد. در دوران دفاع مقدس در جبهه‌های حق علیه باطل حضور داشت و، در ۱۳۷۲ ش، امام جمعه بندر ماهشهر شد که تا کنون ادامه دارد. تدریس در دانشگاه از دیگر اشتغالات اوست. سخنان محکم و قاطع وی بارها مأموران ساواک را به مراقبت و کنترل وی واداشته بود (پیوست ۳).

۱-۱-۲-۸- محمدعلی مولوی

شهید محمدعلی مولوی متولد ۱۳۴۰ ش در روستای وردنجان شهرکرد، پس از گذراندن دوره ابتدایی، در حوزه علمیه شهرکرد به تحصیل علوم دینی مشغول گردید و برای ادامه تحصیل به

تعداد این افراد بسیار زیاد بوده‌اند از جمله می‌توان به شیخ غلامعلی خلدی فراز، آیت‌الله شمس آبادی، جعفرقلی رستمی، احمد بنایی، حسینعلی داوودی، سید محمد مدنی، شیخ علی صفدری، سید جلال طاهری حسین آبادی، شیخ علی‌اکبر مسعودی، شیخ محمدتقی بشارت دهاقانی، علی‌نقی نیکزاد، شیخ احمد فقیهی و کریم پور شیرازی اشاره کرد.

۲-۲- انتقال به شیوه سرایتی
از جمله راه‌های انتقال عقاید انقلابی به شیوه سرایتی انتشار اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام (ره) بوده است. این سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها بر طبق اسناد ساواک، به وسیله نمایندگان معتمد امام خمینی به استان انتقال یافته و سپس به دست سایر انقلابیون توزیع و منتشر می‌شد. در سند مورخ ۱۳۵۴/۴/۷ ساواک، آقایان حسینقلی بنایی، آیت‌الله بنائی (بنائیان)، حاج آقا علی نیلیه و حاج محمد نمایندگان امام در بروجن بوده‌اند. (سند ۶۱). با پخش اعلامیه‌ها در بین انقلابیون آنها در جریان کم و کیف مواضع امام قرار می‌گرفتند. این مورد را می‌توان از موارد انتقال سرایتی برشمرد که نقش مهمی در انتقال عقاید و اندیشه‌های انقلابی به شهرهای مختلف ایفا کرده است. در این مورد برای ذکر نمونه‌هایی از پخش اعلامیه‌های انقلابی و تبلیغات انقلابیون می‌توان به اسناد زیر اشاره کرد: پخش اعلامیه توسط افراد ناشناس، (پیوست ۷) یا موضوع کشف اعلامیه‌هایی از امام خمینی به مناسبت هفتمین روز فاجعه خونین تهران در ۹ شوال ۹۸ ق در خیابان‌های شهرکرد، (پیوست ۸) تبلیغات انقلابی در بخش‌های حوالی شهرکرد، برگزاری مراسم عزاداری در شهر سامان، ارسال اعلامیه‌هایی به مناطق عشایرنشین استان، پخش اعلامیه و نوار در شهرستان فارس و ... (پیوست های

حوزه علمیه اصفهان عزیمت نمود. در ضمن تحصیل وارد فعالیت‌های سیاسی - مذهبی و مدتی در اصفهان زندانی شد. با پیروزی انقلاب اسلامی در واحد فرهنگی جهاد سازندگی به فعالیت پرداخت. در جنگ تحمیلی در عملیات شکست حصر آبادان تا عملیات پیروزمندانه والفجر ۸، همپای سایر رزمندگان حضور داشت و، سرانجام، در عملیات آزاد سازی فاو در ۶۴/۱۱/۲۶ به شهادت رسید. وی به سبب فعالیت‌های انقلابی، در زمینه نشر افکار و آراء امام خمینی (ره)، بارها از سوی رژیم و مأموران ساواک مورد تهدید قرار گرفته است (پیوست ۴).

۲-۱-۱-۹- علی اکبر مسعودی واعظ
حجت الاسلام والمسلمین شیخ علی‌اکبر مسعودی، از شاگردان حضرت امام (ره) و یاران امام در طول سال‌های پیش از انقلاب اسلامی است. نام‌برده جزو مدرسان حوزه علمیه قم بود و تولیت آستانه حضرت معصومه (س) را نیز به عهده داشت. کتاب خاطرات او از دوران مبارزه علیه رژیم شاه در ۱۳۸۲ ش، از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است. سخنرانی صریح ایشان در بهمن ماه ۱۳۵۲ ش در بروجن که از اعمال شاه با تعبیر یزیدگونه یاد می‌کرد، از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین سخنرانی‌ها در آن دوران است (پیوست ۵).

نمایندگان رسمی امام خمینی در استان، با توجه به آنچه در اسناد ساواک آمده، آقایان حسینعلی بنایی (بنائیان)، حاج آقا علی نیلیه، حاج محمد عباسیان، حسین و حسن ناصری بوده‌اند. فعالان انقلابی در استان چهارمحال و بختیاری و در شهرستان شهرکرد افراد زیادی بودند که در این مجمل به ذکر شاخص‌ترین افراد در این زمینه اکتفا می‌شود. آنچه که از اسناد ساواک پیداست،

شماره ۶، ۷، ۸).

۲-۳- انتقال به شیوه سلسله مراتبی

از دیگر شیوه‌های انتقال و پخش نوآوری‌های سیاسی در شهرکرد، شیوه پخش سلسله مراتبی است. فرض این نوع انتقال آن است که مردم تابع نخبگان هستند و تا نخبگان آنان را هدایت نکنند حرکتی انجام نمی‌دهند. در انقلاب اسلامی نخبگان متشکل از چند شبکه بودند. یکی از این شبکه‌ها بازار بود که پیام انقلاب را دریافت می‌کرد و بنا به طبع بازار، که مستلزم ارتباط با شهرهای مختلف است، به راحتی می‌توانست آن را به شهرهای دیگر انتقال دهد. ارتباط بازاریان شهرکرد با بازار جامع اسلامی تهران مسیری بود برای انتقال عقاید انقلابی و اطلاع از کم و کیف رویدادها و فعالیت‌های انقلاب و آغاز حرکت‌های مردمی. شبکه دیگر دانشگاه بود که تأثیر فضای آن بر تفکرات دانشجویان به‌عنوان مکان تبادل افکار و اندیشه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کرد. از آنجایی که در آن زمان دانشگاه‌ها اکثراً در شهرهای بزرگ تأسیس شده بود، جوانان شهرستانی برای ادامه تحصیل در این دانشگاه‌ها حضور می‌یافتند و با شنیدن افکار شخصیت‌هایی چون دکتر علی شریعتی، که فضای دانشگاه را تحت تأثیر قرار داده بود، روحیه انقلابی و مبارزاتی پیدا کرده و در دانشگاه با دیدن فعالیت سیاسی سایر جوانان وارد فعالیت سیاسی شده و عقاید انقلابی را به شهرهای مختلف کشور می‌رساندند. آخرین شبکه، شبکه روحانیت بود که به‌طور وسیع در تمام شهرها حضور داشته و با ارتباط با حوزه علمیه قم در جریان فعالیت‌های انقلابی قرار گرفته و آنها را به شهر خود انتقال می‌دادند. از جمله این روحانیون می‌توان به آیت‌الله سید ابوالحسن آل‌رسول، معروف به شمس‌آبادی، اشاره کرد. ایشان در ۱۲۸۶ ش در

اصفهان متولد شدند و پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی در اصفهان، نزد اساتیدی مانند ابوالقاسم زفره‌ای، سید علی نجف‌آبادی و احمد حسین‌آبادی، عازم حوزه نجف اشرف گردید و از محضر درس مراجع بزرگی چون مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، آقا جمال‌الدین گلپایگانی، سید عبدالهادی شیرازی و سید محسن حکیم استفاده نمود و پس از ۱۲ سال برای تدریس و ارشاد به اصفهان بازگشت و با ارتباط و آمد و شد با روحانیون شهرکرد، با نشر آراء و اندیشه‌های انقلاب و امام (ره)، بر روحیه انقلابی مردم استان هرچه بیشتر افزود. در این راستا کانون‌های انقلابی مهم‌ترین نقش را در این نوع انتقال عقاید به‌عهده داشتند. نگاهی به مهم‌ترین کانون‌های انقلابی موجود در استان با توجه به نقش کلیدی آنها در انتقال عقاید انقلابی به شیوه سلسله مراتبی در استان، ضروری می‌نماید:

۲-۳-۱- اماکن و کانون‌های نشر عقاید انقلابی در استان

در استان چهارمحال و بختیاری، مانند سایر نقاط کشور، انقلابیون مکان‌هایی را به‌عنوان مرکز نشر عقاید انقلابی و محلی برای تشکیل جلسات خود قرار داده بودند. انتخاب این مکان‌ها وابسته به ماهیت انقلاب اسلامی و شبکه‌های نشر عقاید انقلابی بود و از آنجا که این انقلاب متأثر از آموزه‌های مکتب تشیع بود، اماکن و کانون‌های تجمع فعالان انقلابی نیز با شبکه‌های بازار، روحانیت و دانشگاه‌ها بودند. از جمله مساجد، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، هیئت‌های مذهبی و مدارس را می‌توان نام برد که در ذیل ضمن بررسی نقش مسجد، به‌عنوان مهم‌ترین مرکز نشر

محمدرضا شاه، دبیرستان دانش فرخ شهر، دبیرستان‌های شاهپور و نوربخش، از جمله مهم‌ترین این مراکز بودند.

۲-۳-۱-۳- مدرسه علمیه امامیه شهرکرد
مدرسه علمیه امامیه شهرکرد در سال ۱۳۱۵ ق، به دستور و نظارت عالم ربانی مرحوم سید محمد حسنی دهکردی، امام جمعه دهکرد (شهرکرد فعلی)، در نزدیکی مرقد امامزادگان، حلیمه خاتون و حکیمه خاتون و در کنار بازار قدیمی شهر، بنا گردید. ساختمان این مدرسه مانند دیگر بناهای قدیمی از روح و زیبایی و صفای خاصی برخوردار بود. دارای ایوان‌هایی در ضلع شمالی و جنوبی بوده و حجرات نیز دور تا دور مدرسه در یک طبقه قرار داشتند. با فوت میر سید محمد حسنی در ۱۳۴۰ ق، مدتی شیخ حسنعلی سدهی به تعلیم و تربیت چند نفر طلبه اشتغال داشته است. پس از مرحوم حسنی امور مذهبی شهرکرد در اختیار روحانی جلیل‌القدر حاج سید محمدباقر امامی و آقا جلال بت شکن، (مقتول در ۱۳۰۶ ش) قرار گرفت.

پس از یک رکود نسبتاً طولانی در دهه های ۱۳۴۰ ش، مرحوم میرزامحمد مهدوی حدود شش سال به تربیت طلاب این مدرسه اهتمام ورزیدند. در سال های منتهی به ۱۳۴۵ ش، مرحوم حاج‌جواد اصولی هرچگانی به پرورش طلاب در این مدرسه همت گماشت. از ۱۳۴۵ ش، با حضور مرحوم حاج شیخ محمدعلی نوراللهی نجف آبادی و حمایت و مساعدت دو عالم جلیل‌القدر حاج‌آقا میرزا و حاج‌آقا مصطفی السید دهکردی، تعلیم و تربیت طلاب رونق بیشتری یافت و در سال‌های آخر منتهی به

عقاید انقلابی در استان، به معرفی سایر اماکن و کانون‌های انقلابی و ائتلافات انقلابی مربوط در استان چهارمحال و بختیاری اشاره می‌شود.

۲-۳-۱-۱- نقش مساجد در حوادث انقلابی در شهرکرد

همان‌طور که قبلاً اشاره شد استان چهارمحال و بختیاری دارای مساجد زیادی بوده که غالباً از نظر سیاسی و تاریخی حایز اهمیت است. از جمله مسجد صاحب‌الزمان شهرکرد، مسجد جامع شهرکرد، مسجد جامع شهر کیان (نکویی شهرکی، ۱۳۸۸: ۷۱)، حسینیه اعظم شهرکرد، مسجد جامع چالشر، مسجد جامع فرخ‌شهر و مسجد اتابکان که هرکدام به نوبه خود محلی بودند برای آگاه‌سازی مردم از کم و کیف وقایع انقلابی و تشکیل جلسات انقلابیون برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی. علمای عظام و وعاظ این مساجد بارها به‌سبب سخنرانی و افشاگری، از سوی ساواک محلی مورد تهدید قرار می‌گرفتند. از جمله روحانیون شاخص، شیخ محمد نوراللهی و حاج‌آقا مصطفی را می‌توان نام برد. در شهرکرد مسجد خان یا مسجد جامع و مسجد صاحب‌الزمان از جمله این مساجد است که در دوره انقلاب به‌عنوان مرکز ثقل و تجمع انقلابیون به‌شمار می‌رفت. همچنین حسینیه اعظم شهرکرد و مسجد جامع شهر کیان (نکویی شهرکی، ۱۳۸۸: ۷۱)، از جمله مکان‌هایی بودند که برای بررسی تأثیر آنها در تاریخ انقلاب اسلامی ضروری به‌نظر می‌رسد.

۲-۳-۱-۲- دانشگاه‌ها و مدرسه‌ها

از دیگر اماکنی که در تبلیغ و نشر اندیشه های انقلابی از آنها استفاده می‌شد، باید از دانشگاه‌ها و مدارس نام برد. دانش‌آموزان و دانشجویان انستیتو تکنولوژی دانشکده دامپروری شهرکرد، دانشگاه شهرکرد، دبیرستان امیرکبیر، دبیرستان

اندیشه‌های الحادی، از جمله مارکسیسم، نیز کارکرد داشته است.

مع‌الوصف، نکته مورد توجه اهداف مبارزاتی آنان بود که اولاً ریشه نشر بهائیت، خود رژیم پهلوی است و ثانیاً اینکه مبارزه با بهائیت، نوعی انحراف از مسیر مبارزه بر ضد رژیم پهلوی بود و انرژی فعال جوانان و تحصیل‌کردگانی که می‌توانستند بار مبارزه را بر دوش بکشند، صرف آیین بهائیت و شیوه‌های تبلیغی علیه این مسلک می‌شد. پس از انقلاب اعتراضاتی بر ضد انجمن آغاز شد و در محافل مختلف فعالیت علیه فعالان آن بالا گرفت. پس از اشاره غیر مستقیم رهبر انقلاب به انجمن که بدون تصریح به اسم صورت گرفته، از آنان خواسته شده بود که اعوجاجات خود را کنار بگذارند. انجمن در ۱۳۶۲ش رسماً تعطیلی خود را اعلام کرد ولی پس از چندی شماری از وابستگان به انجمن به‌طور پنهانی فعالیت خویش را استمرار بخشیدند. این در حالی بود که در جریان انقلاب، بسیاری از اعضای انجمن از آن جدا شده و با نهضت همگامی و همکاری چشمگیری داشتند (مردانی، ۱۳۷۵: ۹۹).

۲-۳-۱-۵- کانون جوانان اسلامی بروجن
کانون جوانان اسلامی بروجن از ۱۳۵۲ش، به توصیه آیت‌الله حسین نوری و همکاری سید محمد مدنی (ساکن بروجن و قم)، فعالیت خود را آغاز کرده است. برابر گزارش مورخ ۵۲/۸/۱۲ ساواک بروجن، افراد مؤسس کانون و گردانندگان آن عبارت‌اند از: امیرحسین غلامی جوشکار، ابراهیم منصوری شاگرد خواروبار فروشی، سید خلیل اسحاقی سبزی‌فروش، محمدحسین آرامش مغازه‌دار و قربانعلی حجتی شاگرد مسگر. آخرین گزارش‌های ساواک راجع به فعالیت تشکل مذکور، مربوط به اواخر تیر ماه ۱۳۵۴ش است. در گزارش مورخ

پیروزی انقلاب اسلامی ایران مدرسه به عنوان کانون اصلی هدایت مبارزات مردمی شناخته گردید.

حاج آقا نوراللهی تا ۱۳۵۸ش امور مدرسه را به‌عهده داشت. از ۱۳۶۰ش به‌بعد، این مدرسه مورد تجدید بنا قرار گرفت و پس از سال‌ها در سه طبقه و چهل و پنج حجره و تأسیسات جانبی (کتابخانه و سالن مطالعه و مسجد)، مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

۲-۳-۱-۴- انجمن مبارزه با بهائیت

انجمن مبارزه با بهائیت (انجمن خیریه حجتیه مهدویه)، ۱۳۳۲ش با تلاش حاج شیخ محمود حلبی (متولد ۱۲۸۰ش و متوفای ۱۳۷۶ش)، فعالیت خود را آغاز کرد. وی تا سال ۱۳۳۲ش در مشهد به‌عنوان یک روحانی سیاسی فعال شناخته می‌شد اما، به‌دلیل سرخوردگی از مسائل سیاسی مشهد، این شهر را رها کرد و به تهران آمد و به مدت ۱۱سال، حتی برای زیارت به مشهد برنگشت. در مشهد برخی از فعالیت‌های وی مبارزه با بهائیت بود و زمانی که به تهران آمد، این جریان را به‌عنوان هدف اصلی خود انتخاب کرده و از سیاست دور شد. وی با همکاری جمع زیادی از متدینین - که تحت عنوان هیئت مدیره، امور انجمن را اداره می‌کردند- تا آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به فعالیت فرهنگی برضد این فرقه اشتغال داشت و از هر جهت تلاش می‌کرد تا افزون بر جمع‌آوری اطلاعات، به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان بپردازد. انجمن طی بیست و پنج سال، ضمن مبارزه با بهائیت، توانست جمع زیادی از نیروهای جوان را به خود جذب کرده و آنان را با مسائل اعتقادی آشنا کند. این آشنایی و تربیت فکری در جهت ایستادگی در برابر

حفاظتی ساواک بوده است (پیوست ۹).

۲-۳-۱-۸- هیئت ابوالفضل (ع)

بنا به گزارش مورخ ۴۹/۹/۲۲، ساواک، در شهرکرد هیئتی به نام هیئت ابوالفضل (ع) وجود دارد که توسط آقایان محمد مشرف و احد فدایی اداره می‌شود. این هیئت علاوه بر انجمن قرآن، که به دست چند نفر از طلاب مدرسه امامیه اداره می‌شود، در صبح‌های جمعه توسط آقای نوراللهی و با شرکت چند نفر از افراد بازاری دعای ندبه برگزار می‌کنند (سند ۳۶). در واقع، مساجد و هیئت‌های مذهبی مأمون مناسبی برای نشر عقاید انقلاب و آرمان‌های امام در بین اقشار مختلف مردم و در مناطق مختلف کشور بود.

۲-۳-۱-۹- کتابخانه‌ها

بر اساس گزارش مورخ ۵۹/۹/۲ و اظهار نگرانی ساواک از ایجاد کتابخانه در منطقه وانان در استان چهارمحال و بختیاری، نقش و اهمیت آن بارزتر می‌گردد. برابر سوابق موجود در ۱۳۵۷ ش، اولین نمایشگاه کتاب‌های مذهبی به تقاضای آقای محمد دانش و موافقت شهربانی، به مدت سه روز، به مناسبت میلاد حضرت قائم (عج)، در محل دبیرستان محمدرضاشاه از تاریخ ۵۷/۴/۳۱ تا ۵۷/۵/۲ ش، برگزار گردیده که مقرر شده برابر لیست ارائه شده به معرض تماشا و فروش بگذارد. هم‌زمان نمایشگاه کتابی در حسینیه کاروان بروجن و بعداً نمایشگاه‌های دیگری در مسجد صاحب‌الزمان شهرکرد و فرخ‌شهر و سایر شهرها برگزار گردید. از مهم‌ترین کتابخانه‌های استان کتابخانه مدرسه علمیه امامیه شهرکرد است که در شعبان المعظم ۱۳۹۹ ق، به همت سید حسین طباطبایی، محمد علی صادقی و لطف‌الله داودی تأسیس گردید. این کتابخانه تا زمان بازسازی ساختمان حوزه، یکی از کانون‌های اصلی تردد، برنامه‌ریزی و فعالیت جوانان مذهبی

۵۲/۹/۱۳ ساواک آمده است که اعضای کانون مذکور با بعضی از طلاب قم من جمله علی‌اصغر آل‌اسحاق و سید محمد مدنی در ارتباط بوده‌اند و موجبات نشر عقاید انقلابی را به استان فراهم کرده‌اند.

۲-۳-۱-۶- انجمن مددکاران امام زمان (عج)

این انجمن متشکل از گروهی از انقلابیون مذهبی در بروجن بود. از مؤسسان این انجمن شهید فریدون مهدیه، از متولد ۱۳۱۵ ش، در بروجن بود. وی در فعالیت‌های انقلابی در شهر بروجن و خارج از آن شرکت داشت. مشارکت در تأسیس و اداره انجمن مددکاری امام زمان (عج) و صندوق قرض‌الحسنه ولی‌عصر (عج) و شرکت مستمر در جلسات مذهبی از فعالیت‌های قبل انقلاب شهید مهدیه است. حضور در جبهه‌های حق علیه باطل و شهادت در عملیات محرم (۱۹ آبان ۱۳۶۱ ش) برگ دیگری از کارنامه این شهید گران‌قدر است. یکی از فرزندان این شهید، روحانی و جانباز جنگ تحمیلی است. این انجمن ضمن بررسی و شناسایی افراد نیازمند و کمک به آنها، در فعالیت‌های انقلابی پیشرو بوده است (اداره کل اطلاعات چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۰۰).

۲-۳-۱-۷- هیئت محمدیه بروجن

در بهار سال ۱۳۵۳ ش، ساواک در یک ارزیابی از این هیئت گزارش می‌کند که دارای اعضای بوده که محوریت برنامه‌های خود را دفاع از آرمان‌های انقلاب و امام خمینی (ره) قرار داده‌اند و در مجالسی که برگزار می‌کنند از امام و برنامه‌های انقلابی‌اش حمایت و تمجید می‌کنند. لذا به ساواک بروجن دستور مراقبت و کنترل فعالیت اعضایش را می‌دهد. یکی از اعضای فعال این هیئت فریدون شایق بروجنی است که مراقبت و کنترل رفتار و اعمالش جزء برنامه‌های

شهرستان شهرکرد بوده است (اداره کل اطلاعات چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۴۱۳).

۲-۳-۱-۱۰ سالن ورزشی انقلاب شهرکرد علاوه بر مساجد و خیابان‌ها، یکی از محل‌های تجمع مردم در ماه‌های آخر منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، سالن‌های ورزشی بوده که قابلیت استقرار چند هزار نفر را برای استماع سخنرانی‌ها داشته است. در یکی از گردهمایی‌های مردم در سالن ورزشی انقلاب شهرکرد که تصاویری نیز از آن وجود دارد، آیت‌الله سید جلال‌الدین طاهری و شهید رحمان استکی سخنرانی کردند (پیوست ۱۰).

به این ترتیب، می‌بینیم که هر سه نوع راه‌های انتقال که در نظریه «پخش» مطرح شد، در انتقال عقاید انقلابی به شهرکرد دخیل بوده‌اند. این مسیرها در کنار خصوصیت مذهبی مردم این استان باعث می‌شد که جریان‌های انقلابی در قم مورد توجه اهالی این شهر، خصوصاً جوانان تحصیل‌کرده مذهبی قرار گرفته و حرکت‌های انقلابی در سراسر استان، به‌ویژه در شهرکرد، مرکز استان شکل بگیرد.

فعالیت ساواک برضد انقلاب در استان چهارمحال و بختیاری

۱. تاریخچه ساواک در استان چهارمحال و بختیاری

از خرداد ۱۳۴۲ ش، که رژیم شاه با جدی‌ترین چالش از ناحیه نهضت‌های اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) مواجه شد، درصدد برآمد تا برای حفظ وضع موجود و تحکیم پایه‌های قدرت، همه اقشار و افراد تأثیرگذار اجتماعی را، با دقت هرچه بیشتر، زیر نظر قرار دهد. تقویت ساواک و گستراندن سیطره آن در سراسر کشور، یکی از تدابیر اجرایی رژیم بود. بر این اساس تأسیس ساواک مستقل برای چهارمحال و

بختیاری که نیازمندی‌های اطلاعاتی مربوط به آن پیش‌ازین به وسیله ساواک اصفهان تأمین می‌گردید، در دستور کار قرار گرفت. یکی از عوامل توجیه‌کننده داشتن تشکیلات اطلاعاتی مجزا، عشایری بودن منطقه و سوابق اصطکاک‌های جدی بین بختیاری‌ها و دربار، در زمان پهلوی اول و دوم و، اساساً پتانسیل‌ها و پیشینه تاریخی حضور جماعت‌های ایلی و عشایری در صحنه‌های سیاسی و نظامی کشور بود. اما نکته و علت اساسی‌تر، رصد کردن موج فزاینده تأثیرپذیری مردم از رویکردهای دین‌باورانه و ظلم‌ستیزانه و جلوگیری از گسترش نهضت‌های اسلامی بود (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸، مقدمه).

در فروردین ۱۳۴۳ ش، سازمان اطلاعات و امنیت فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری به ریاست سرهنگ ستاد، حسین ترابی، در شهرکرد شد. در سال‌های بعد، به ترتیب، افرادی به نام سرگرد نصرت‌الله نگهبانی (۴۵-۱۳۴۴ ش)، سرهنگ احمد فرزانه (۴۷-۱۳۴۶ ش)، سرهنگ غلامحسین محبوبیان (۵۳-۱۳۴۷ ش)، محمود سیاحتگر (۵۵-۱۳۵۳ ش)، ریاست ساواک را بر عهده داشتند. در مقطع منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، سرگرد مجتبی کامکار رئیس ساواک استان بوده است. نام‌برده از ۱۳۵۵ ش تصدی این سمت را به‌عهده داشته است. علاوه بر شهرکرد، در شهرستان بروجن نیز تشکیلات ساواک وجود داشته است.

۲. اقدامات ساواک در استان

در این مجمل کلیاتی از نحوه فعالیت و کارشکنی‌های ساواک علیه انقلابیون در استان را مورد توجه قرار می‌دهیم. حساسیت ساواک به وضع حال در آن زمان محدود نمی‌شد و از شهربانی خواسته شده بود

که سوابق افرادی را که در شانزده سال پیش، در ۲۰ مرداد ۱۳۳۲ش، اقداماتی را علیه سلطنت انجام داده‌اند، مشخص و اعلام گردد (پیوست ۱۱).

اسامی تعداد مدارس علوم دینی، نحوه نظارت اوقاف بر حوزه‌های علمیه، میزان شهریه طلاب و پرداخت‌کنندگان آن، اسامی هیئت‌ها، انجمن‌ها، کانون‌ها، جمعیت‌ها و سایر مجامع مذهبی و مراکز نشر عقاید انقلابی با تعیین افراطی یا غیر افراطی بودن آنها و، همچنین، توجه و تعقیب افرادی که نماز جمعه برپا می‌کنند، از اهداف و نیازمندی‌های ساواک در استان تلقی می‌شد (پیوست ۱۲).

با ورود به دهه ۱۳۵۰ش و شفاف و جسورانه‌تر شدن فعالیت‌های تبلیغاتی انقلابیون، اقدامات مقابله‌ای ساواک نیز سازمان یافته‌تر می‌شود. به‌رغم فضا سازی رژیم برای جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و تعقیب و تهدید شمار زیادی از روحانیون طرفدار امام خمینی (ره) و تشدید فضای اختناق، سخنان به‌زعم ساواک تحریک آمیز و عاظ در منابر بیشتر می‌شود و حتی مبلغان زن نیز با هدف روشن‌گری به سخنرانی می‌پردازند و ضمن شبهه‌زدایی، مخاطبان را به تقلید از امام خمینی فرا می‌خوانند (سند ۵۲). رژیم برای برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله تدابیر امنیتی ویژه‌ای اتخاذ می‌نماید. ساواک مقرر می‌کند که افراد مظنون هر منطقه، اعم از دانشجویان، اساتید، آموزگاران و دانش‌آموزان شناسایی شده تا در مواقع لزوم دستگیر شوند. در ۱۳۵۱ش، در استمرار اقدامات مراقبتی رژیم، بازدید از کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها برای جمع‌آوری کتب مضره، در دستور کار قرار می‌گیرد و فعالیت‌های مرتبط با نهضت امام همچنان با حساسیت دنبال شده و مشخصات و سوابق افراد مورد نظر به مرکز

اعلام می‌گردد.

کنترل منابر روحانیون، جلوگیری از فروش کتب مضره، از جمله کتاب‌های امام خمینی، آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر شریعتی، گزارش تحرکات افراد انقلابی خصوصاً و عاظ و روحانیون و، به‌ویژه، تمرکز بر فعالیت کانون جوانان اسلامی بروجن که در پیوند با روحانیون مقیم قم از جمله سید محمد مدنی و علی‌اصغر آل‌اسحاق بوده است، اطلاع‌یابی‌ها و اقدامات کنترلی ساواک در ۱۳۵۲ش را نشان می‌دهد (صدر، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

سال ۱۳۵۴ش برای ساواک استان، سال پر مشغله‌ای بوده است. از همان ابتدای سال با شعارنویسی و پخش استفتائیه و اعلامیه مواجه شده که عمدتاً در واکنش به تحمیل حزب رستاخیز به ملت ایران صورت گرفته است. در کنار فعالیت طلاب مبنی بر منع اقدامات رژیم و تمجید از آراء حضرت امام، متن استفتائیه از محضر امام خمینی در زمینه منع مردم از عضویت و حرام بودن شرکت مردم در این حزب، در برخی مساجد و مدارس توزیع یا نصب می‌شود. ساواک در واکنش به این واقعه ضمن احساس خطر از رخدادهای پیش‌آمده و دستگیری افرادی که وجوه شرعی خود را به نماینده امام در استان می‌دادند، پیشنهاد می‌کند که عده‌ای از روحانیون از جمله آقای نوراللهی از این شهر اخراج یا از فعالیت و تدریس وی در مدرسه طلاب ممانعت به‌عمل آید (پیوست ۱۳).

در سال ۱۳۵۵ش، و یک سال پس از تظاهرات ۱۵ خرداد سال ۱۳۵۴ش، درباره لزوم مراقبت از برخی طلاب آزاد شده، توصیه‌هایی از جانب ساواک صورت می‌گیرد. در کنار فعالیت‌هایی چون پخش اعلامیه‌های تاپی و خطی درباره مسائل داخلی و خارجی از جمله وضع ظفار

فلسطین و توزیع تراکتهایی حاوی موج و ساعت پخش برنامه‌های رادیویی مخالف رژیم، اقدامات امنیتی ساواک همچنان استمرار دارد.

گزارشات نیمه اول ۱۳۵۶ش، به‌جز برخی اقدامات موردی، تحرک ویژه و تازه‌ای را در استان نشان نمی‌دهد. این روند تا آذر و دی ۱۳۵۶ش، که مصادف با محرم و قیام مردم قم در ۱۹ دی در اعتراض به مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات علیه امام خمینی می‌باشد، ادامه دارد. با وقوع قیام مردم قم، موج جدیدی از مبارزات مردمی آغاز و فضای عمومی کل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در همین حال و هوا مردم استان در کنار ملت مسلمان ایران با استقبال از تحریم عید نوروز برای برگزاری مراسم چهلم شهدای تبریز آماده می‌شوند.

با شروع تابستان ۱۳۵۷ش، توزیع اعلامیه‌های مربوط به حوادث انقلابی در مناطق هم‌جوار استان ادامه و گسترش می‌یابد. در این سال با حلول ماه مبارک رمضان که مهم‌ترین پیوند را با فعالیت‌های انقلابی مردم داشت، و فاجعه سینما رکس آبادان، و روی کار آمدن شریف‌امامی، امام دولت شریف‌امامی را توطئه خطرناک شاه اعلام کرد و هدف آن توطئه را اغفال ملت و شکستن نهضت اسلامی خواند. در این راستا فعالیت‌های انقلابی و تبلیغاتی مردم انقلابی در استان فزونی می‌یابد و به تظاهرات و اعتصابات دامن می‌زند. ساواک در واکنش به این اقدامات عده‌ای از تظاهرکنندگان را شناسایی و دستگیر و اعلامیه‌های مضره را کشف و ضبط می‌کند. از مناسبت‌های مهم مهرماه، چهلم شهدای جمعه سیاه میدان ژاله (۱۷ شهریور) بود که فضای عمومی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد و، به‌همین مناسبت، با اعلامیه‌های مراجع قم و فضایی حوزه علمیه این شهر، دوشنبه ۲۴ مهرماه

روز عزای عمومی و روز بزرگداشت شهدای ۱۷ شهریور اعلام شد و اقدامات حفاظتی ساواک گسترش یافت و بر اختناق موجود افزود.

تجمعات و تظاهرات معلمان در آبان‌ماه با انسجام و شدت بیشتری استمرار یافت و در مواردی به خشونت کشیده شد. در تظاهرات ششم آبان ۱۳۵۷ش، در تجمع صدها دانش‌آموز دبیرستان شاهپور شهرکرد، شماری از چماق به‌دست‌ها، با شعار جاوید شاه، به جمعیت حمله کرده و به مقابله با آنان می‌پردازند. ساواک در گزارش خود می‌گوید: چون مأموران نظامی موجود جهت مقابله با تظاهرکنندگان کافی نبودند، لذا در ساعت ۲۱ همان روز شورای تأمین استان تشکیل و اعزام یک گروهان نیروی کمکی از مرکز توپخانه اصفهان تقاضا گردید. در این گزارش وضع و حال مردم شهرکرد بسیار نگران و مشوش اعلام شده است (پیوست ۱۴).

در هفته اول آذرماه ساواک از پیوستن برخی مقامات اداری به جمع تظاهرکنندگان اظهار تأسف می‌کند. برابر گزارش ساواک بروجن، رئیس دادگستری این شهر به‌اتفاق سایر کارمندان در جلو راهپیمایان حرکت و یکی از کارمندان دادگستری با خواندن اشعار و اهانت به شاه، خواسته‌های کارکنان دادگستری را، مبنی بر برچیدن رژیم فعلی و ساواک و روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی، اعلام نموده است. در فلکه شهرداری آقای فرماندار به جمع تظاهرکنندگان پیوسته و اظهار نموده خواسته‌های شما بر حق است و من با شما هستم (پیوست ۱۵).

شاه در ۲۶ دی ماه از ایران خارج شد و امام در پیامی ضمن تبریک رفتن شاه آن را اولین طلیعه پیروزی خواندند. ساختمان ساواک چند روز در اختیار مردم قرار داشت و مردم بانصب پارچه‌ای

معتمد امام به استان انتقال یافته و سپس به دست سایر انقلابیون توزیع و منتشر می‌شد. با پخش اعلامیه‌ها در بین انقلابیون، آنها در جریان کم و کیف مواضع امام قرار می‌گرفتند. این موارد را می‌توان از موارد «انتقال سرایتی» برشمرد که نقش مهمی در انتقال عقاید و اندیشه‌های انقلابی به شهرهای مختلف ایفا کرده است. از دیگر شیوه‌های انتقال و «پخش» نوآوری‌های سیاسی در شهرکرد، شیوه پخش «سلسله مراتبی» می‌باشد. بازار، روحانیت و دانشگاه‌ها مهم‌ترین شبکه‌های انتقال عقاید در این نوع پخش به شمار می‌روند. در این نوع پخش عقاید انقلابی به صورت سلسله مراتبی از یک مرکز اصلی به سایر نقاط انتشار پیدا می‌کند. اماکنی که مرکز تجمع و ثقل فعالان انقلابی و عقاید آنها به شمار می‌روند، مهم‌ترین نقش را در این نوع انتقال عقاید به عهده دارند. مهم‌ترین کانون‌های انقلابی موجود در استان عبارت بودند از: مساجد، دانشگاه‌ها، مدرسه امامیه شهرکرد، هیئت محمدیه بروجن، هیئت ابوالفضل (ع)، انجمن مبارزه با بهائیت، کانون جوانان اسلامی بروجن، انجمن مددکاران امام زمان (عج)، کتابخانه‌ها و سالن ورزشی انقلاب شهرکرد. به این ترتیب می‌بینیم که هر سه نوع راه‌های انتقال که در نظریه پخش مطرح شد، در انتقال عقاید انقلابی به شهرکرد دخیل بوده‌اند. این مسیرها در کنار خصوصیت مذهبی مردم این استان باعث می‌شد که جریان‌های انقلابی در قم مورد توجه اهالی این شهر خصوصاً جوانان تحصیل‌کرده مذهبی قرار گرفته و حرکت‌های انقلابی در سراسر استان، به‌ویژه در شهرکرد مرکز استان، شکل بگیرد. در ادامه اقدامات و کارشکنی‌های ساواک، به‌عنوان مهم‌ترین مانع انتشار عقاید انقلابی در استان، مورد بررسی قرار گرفت.

از عکس امام، ساختمان را در اختیار شهرداری قرار دادند. از ۳ روز قبل از فرار شاه، ساواک شهرکرد سرگرم بسته‌بندی و انتقال اسناد خود به ساواک اصفهان بود لذا از ۲۴ دی به بعد، از عملکرد ساواک استان در زمینه انعکاس تحرکات انقلابی مردم هیچ نشانی به جز یکی دو مکاتبه اداری مربوط به کارمندان و ساختمان ساواک وجود ندارد.

نتیجه‌گیری
باتوجه به چارچوب نظری این مقاله، برای بررسی چگونگی انتقال عقاید و جریانات انقلابی به استان چهارمحال و بختیاری به مرکزیت شهرکرد، سه نوع «پخش» در مورد انتقال عقاید انقلابی و معرفی مهم‌ترین فرایندهای موجود در آنها به کار برده شد: «پخش جابه‌جایی» یا فیزیکی، «پخش سرایتی» و «پخش سلسله مراتبی». موضوع پخش در انقلاب اسلامی ایران همان عقیده انقلابی یا همان ایده تشکیل حکومت اسلامی بود. چگونگی انتشار این عقیده به سایر نقاط کشور از جمله شهرکرد به سه صورت «فیزیکی»، «سرایتی» و «سلسله مراتبی» قابل بررسی است. در انتقال عقاید به شیوه فیزیکی تبلیغات همفکران و مریدان امام و حمایت نهاد مرجعیت و شبکه روحانیت مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کردند. از جمله مریدان امام در شهرکرد شخصیت‌هایی چون حاج آقاسید مصطفی، شیخ محمدعلی صفرنورالله، سید محمد متقی، رحمن استکی، حسینقلی بنائیان، شیخ علی صفدری و... بودند.

در کنار این نوع انتقال، انتشار عقاید به شیوه سرایتی نیز وجود داشته است که جلوه بارز آن انتشار اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام (ره) بوده است. این سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها همان‌طور که از اسناد ساواک نیز پیداست، به‌وسیله نمایندگان

- منابع
قرآن کریم
اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۸۸ش). *روایت اسناد ساواک در استان چهارمحال و بختیاری*. وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، تهران.
دانشجویان پیرو خط امام (۷ خرداد ۱۳۵۸ش) «اسناد لانه جاسوسی لانه آمریکا». ج. ۷. *مجله امید ایران*. اعتمادی، سیاوش (۱۳۸۱ش). *بختیاری در گذرگاه زمان*. تهران: نشر سیاست.
الله یاری، فریدون (۱۳۸۸ش). *انقلاب اسلامی در اصفهان*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
آهنچیده، اسفندیار (۱۳۸۴ش). *ایل بختیاری و مشروطیت*. نشر ذره بین، بی جا.
برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲ش). «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی». *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۲۸. باغ پرور، نسیم (۱۳۸۸ش)، *چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی در شهر اردبیل* (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.
شکویی، حسین (۱۳۷۸ش). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. جلد اول. تهران: انتشارات گیتاشناسی.
پایدار، حسین (۱۳۸۶ش). *انقلاب اسلامی در یسنورد*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
دادرسی، نقی (۱۳۸۲ش). *انقلاب اسلامی در خوی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ساعدی، علی اکبر (۲۷ دی ۱۳۸۸ش). «مجله الکترونیکی مصباح». شماره ۱۲.
جن.راف، گارثویست (۱۳۷۸ش). *تاریخ سیاسی ایل بختیاری*. ترجمه مهرب امیری. نشر آذران.
صباغ جدید، محمد حسین (۱۳۸۶ش). *گذری بر انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
صدر. سیدمحمد (۱۳۸۸ش). «نگاهی گذرا به روند شکل‌گیری انقلاب در ایران». *مجله متین*. شماره ۲۴۱. ص ۲۵.
عبداللهی، خسرو (۱۳۸۴ش). *فرهنگ ایل بختیاری*. تهران: فرهنگسرا.
مردانی کرانی، سعید (۱۳۷۵ش). *پژوهشی در تاریخ، فرهنگ و تمدن چهارمحال و بختیاری*. شهرکرد: انتشارات ایل.
مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۸۲). *از جنوب لبنان تا جنوب ایران*. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
نکویی، شهرام (۱۳۸۸ش). *شهرکیان در گذر تاریخ*. تهران: انتشارات سترگ.
نیکزاد امیر حسینی، کریم (۱۳۵۴ش). *شناخت سرزمین چهارمحال و بختیاری*. تهران: چاپ نشاط.
هاشمی دهکردی، سید جواد (۱۳۷۶ش). *مشاهیر مذهبی استان چهارمحال و بختیاری*. مرکز مطالعات و تحقیقات استان چهارمحال و بختیاری.